

## امومت مہبث (روز امامت)

شعری غزّاء درخشان تر و برا تر از الماس، به مناسبت جشن الماسین (شصتمین سالروز بہ تخت نشینی) امام مولانا شاہ کریم الحسینی، سرودہ شدہ است۔

شعر از نوروز علی ثابتی ضمیمہ با صدا

برای داو نلود صدا اینجا فشار بدهید

«**ڈیس اتہ ییو**» تہ ماش حسابے اس جولایام، دُرود بِلندَب بنایام  
جشنے «**تأخت نیست**» اموم آند خوشے بر پایام، دُرود بِلندَب بنایام  
نکّئام ماش بہ ریا، «**مہبثہ امومت**» تجلیل، یست مآشندے دلیل  
نُر تہ ماش منقبت اس شخصے اموم آر جایام، دُرود بِلندَب بنایام  
تو چس آس غرب خہ چوچ «**خیر امومت**» نُر پل، ید حدیث اندے مثل  
وے مُریدبن یدبت درود بلندب بنایام، دُرود بِلندَب بنایام  
تا ابد رہبرے دین، نسلے محمد، قایم، وے ہدایت دایم  
آس «**حدیث ثقلین**» ماش دے معنی بنایام، دُرود بِلندَب بنایام  
پینخ تن «**آیت تطہیر**» بیون کینت ڈرّیہ، «**آہل بیت**» چای دگہ؟  
ماش دے جات پیروے اس **آل رسول اللہ** یام، دُرود بِلندَب بنایام  
آس «**کساء**» گر تو خہ بنایے، فریے پینخ تنے پاک، بہ یقین ای چالاک  
ماش تہ اس «**حبل متین**»، امومے حق معنا یام، دُرود بِلندَب بنایام  
پینخ تن وہف ثبوت «**مباہلہ**» یند بر حق، ید نبونے مُطلق  
مہرے «**یاسین**» دے جات ماش خو دلند حبنے قا یام، دُرود بِلندَب بنایام  
«**انّما**» آیت ادے، نُزول در شونے علی، خدایے لوفج وے خو ولی

مأش دے جأت پیروے اس شخصے وَلِيُّ اللّٰهِ يَأْمُ، دُرودِ بِلِنْدَثِ بِنْيَاْمِ

«سوره پے کوثر» اگر سُوْد به باطن معنا، فاطمه خیرے نِساء

اس «بَتَوَل» نسلے ته مأش خُرْد شَفَاعَتِ خَوَاهِ يَأْمُ، دُرودِ بِلِنْدَثِ بِنْيَاْمِ

نوح پناه ڈادے خو کِبتین دے خو اُمّتِ یے زَمُوْنُ، قُوْدے نجات اس طوفُوْنِ

کِبتے یے نوحے زَمُوْنُ اَرْدِ کِبتُوْنِ یِکْجَاِیَأْمُ، دُرودِ بِلِنْدَثِ بِنْيَاْمِ

نسل بر نسل خه رِست نوره اِمُوْمَتِ بر جای، آیتے «نور» تو بنای

(قَوْلے «ثابت») قَتے نُرِ تَوْعِ اِمُوْمِ بِالْاِیَأْمِ، دُرودِ بِلِنْدَثِ بِنْيَاْمِ

### تحلیل شعر «امومت مپب» (روز امامت)

فُرْم و یا قالب شعر: این شعر در قالب مستزاد سروده شده است، اما مصرع نهایی هر بیت، تکرار شده است، شکل نیمه ترجیع بند را هم بخود گرفته است.

وزن شعر: این شعر بر وزن بحر رجز مَثْمَن مرفوع مطووی مُسَكَّن (فاعلن مفتعلن مفتعلن مفعولن) سروده شده است.

آرایه های ادبی: از آرایه های ادبی زیر در این شعر کار گرفته شده است:

تمثیل، تلمیح، توریه، ایهام، دلیل و مدلول، کنایه، آیات قرآنی، احادیث نبوی.

آیات قرآنی و احادیث: از 13 آیت و 5 حدیث در این شعر اشاره رفته است.

### تحلیل هر بیت:

«دیس اته بیو» ته مأش حسابے اس جولایام

جشنے «تأخت نیست» اِمُوْم اَنْدِ خَوْشے بر پایام

«دیس اته بیو» به معنای «ده و یک» که یازده می شود

«جشنے تأخت نیست»، جشن تخت نشینی، مولانا شاه کریم الحسینی در 11 جولای 1957.

تو چس اَسْ غَرِبْ خه چوْرَج «خیرے اِمُوْمَت» نُرِ پَل، ید حدیث اند یے مَثَل

اشاره است به حدیث: طلوع الشمس من مغربها، یعنی طلوع کردن خورشید از مغرب.

عن ابن مسكان عن ابي جعفر عليه السلام في قوله تعالى : ( يوم ياتي بعض آيات ربك ... ) قال : اذا طلعت الشمس من مغربها ، فكل من آمن في ذلك اليوم لا تنفعه ايمانه.<sup>1</sup>

ترجمه: از ابن مسكان از ابي جعفر (ع) در تفسير آيت : ( يوم ياتي بعض آيات ربك ... )<sup>2</sup> روايت است كه فرمودند : هنگامي كه خورشيد از مغرب خود طلوع كند، هر كس در اين روز ايمان بياورد ايمانش براي او سودي ندارد .

از تفاسير اهل سنت:

عن ابوسعيد الخدري عن النبي صلى الله عليه وآله في قوله : ( يوم ياتي بعض آيات ربك ... ) قال طلوع الشمس من مغربها .

ترجمه : ابوسعيد خدري از پيامبر خدا صلى الله عليه وآله روايت کرده است كه در تفسير آيت : « يوم ياتي ... » فرمودند: منظور طلوع خورشيد است از مغربش .

عن ابوهريره قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تقوم الساعة حتى تطلع الشمس من مغربها ، فاذا طلعت ورآها الناس آمنوا اجمعون ، فذلك حين ( لا ينفع نفس ايمانها ... ) ثم قرأ الايه.<sup>3</sup>

ترجمه: از ابوهريره روايت شده گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: ساعت قيامت برپا نخواهد شد تا آنگاه كه خورشيد از مغرب خود طلوع كند ، و چون خورشيد از مغرب طلوع كرد و مردم آن را ديدند همگي ايمان مي آورند ، اما اين هنگام (براي هيچ كس ايمان آوردنش فايده نخواهد داشت ... سپس حضرت آيه را خواندند. ( يعنى آيه 158 از سورة انعام)

از نظر ما، نور امامت فعلاً از غرب طلوع کرده است.

**تا ابد رهبري دين، نسله محمد، قايم، و عهده داييم**

اشاره به بيتي از مثنوي معنوي جلال الدين محمد بلخي است، كه گفته است:

تا به هر دوري امامي قايم است تا قيامت آزمائش داييم است

**اس « حديث ثقلين » مأش دے معنی بنایام**

اشاره است به حديث ثقلين كه متنش اينست: اِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْزَتِي أَهْلَ بَيْتِي. مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ

<sup>1</sup> تفسير الميزان جلد 7، صفحه 203؛ تفسير قمی: جلد 1، صفحه 222.

<sup>2</sup> اشاره است به سورة انعام آيت 158: (يوم ياتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا ايمانها)

<sup>3</sup> تفسير الدر المنثور للسيوطي، جلد 3، صفحه 57.

ترجمه: بعد از خود، برای شما دو چیز سنگین می گذارم که کتاب خدا و عترت من از اهل بیت من هستند. اگر به آنها چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد. این هر دو از هم جدا نخواهند شد تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند.

این حدیث شریف واضح می سازد که قرآن و امام مقارن هم اند. یعنی تا زمانی که قرآن وجود داشته باشد، معلم آن هم از عترت پیمبر بطور موازی با آن خواهند بود، تا این شخص معلم، یعنی امام و یا پیشوا، همان کتاب را برای امت مسلمه تفسیر و تبیین کند.

**پینخ تن « آیت تطهیر » بیون کینت ذریه، « اهل بیت » جای دگه؟**

**مأش دے جأت پیروے اس آل رسول الله یام، درود بلندب بنایام**

آیه تطهیر اشاره است به آیه 33، سوره الاحزاب.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

ترجمه: جز این نیست که خدا (ج) می خواهد تا شما را ای اهل بیت از هر پلیدی پاک کند، تا پاک کند شما را پاک کردنی.

از اَمّ سلمه زوجه رسول الله روایت است که: فاطمه در خانه ام نشسته بود که پیغمبر خدا وارد شد و برایش گفت شوهر و پسران تان را هم صدا کنید. زمانی که علی، حسن و حسین، داخل شدند و نشستند، و خودش بالا تر نشست و علی پایان تر بود. اَمّ سلمه گفت: ما در آن حجره نشسته بودیم، و همین آیت تطهیر برای آن حضرت نازل شد. بعد گفت این جامه خبیری خود را بالا کرد و بر سر دختر، داماد، و نواسه هایش آنرا کشید، و بعد با دست راستش بطرف آسمان اشاره کرد و گفت:

اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَخَاصَّتِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

ترجمه: بار خدایا! اینها اهل بیت من و خاصان من اند، پس آنها را از هر پلیدی پاک گردان، تا پاک گردند، پاک گردیدنی.

**آس « کساء » گر تو خه بنایه، فریه پینخ تنه پاک، به یقین ای چالاک**

اشاره است به حدیث کساء (جامه). متن حدیث کساء اینست: به روایت ام سلمه را در بالا رجوع شود.

**مأش ته اس « حبل متین »، امومے حق معنا یام، درود بلندب بنایام**

اهل بیت (ع) حبل الله المتین و عروۃ الوثقی و امثال اینها توصیف شده اند و در این باب آیات بسیار است.

عروۃ الوثقی به معنای دستاویزی استوار، و حبل المتین به معنای ریسمان استوار است.

عروۃ الوثقی در آیه 256 سوره بقره (سوره 1) آمده است:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

ترجمه: در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست

حبل المتین" [ریسمان استوار] در قرآن نیامده است. ولی در روایات این عبارت هم در توصیف قرآن آمده است. امام علی در توصیف قرآن می فرماید:

علیکم بکتاب الله فإنه الحبل المتین

بر شما باد به کتاب خدا که ریسمان محکم و استواری است [ که یک طرفش به دست خداست و طرف دیگرش به سوی شما تا آن را بگیرید و بالا روید و به خدا برسید].

امام علی (ع) خود را «حبل المتین» می نامد:

وأنا الحبل المتین

ترجمه: و من ریسمان محکم و استوار خدایم.

و همچنان حبل الله (ریسمان خدا) در آیه 103 سوره آل عمران (سوره سوم) آمده است:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

ترجمه: و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند باشد که شما راه یابید.

### پنخ تن وبف ثبوت «مباهله» یند بر حق، ید نبونے مطلق

آیه مباهله: آیه 61 در سوره آل عمران که بنام آیه مباهله یاد می شود، صریحاً در مورد این پنج کس تأکید می کند.

و این واقعه چنین بوده است: ترسایان نجران از آن حضرت در مورد پیدایش حضرت عیسی (ع) سوال نمودند. ایشان جواب دادند که آفرینش عیسی (ع) مانند آفرینش آدم (ع) صورت گرفته که از خاک آفریده شده اند.

فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.<sup>4</sup>

ترجمه: پس هر که منازعه کند با تو (در مورد عیسی)، بعد از آنکه برای تو دانش رسید، پس بگو: بیایید که بخوانیم، فرزندان خود را و فرزندان شما را، و زنان خود را و زنان شما را، و نفس های خود و نفس های شما را، پس همه به زاری دعا کنیم پس لعنت بر دروغ گویان خدا گوئیم.

<sup>4</sup> إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ، خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. در حقیقت حال عیسی در نزد خداوند مانند حال آدم است که او را از خاک آفرید، پس او را گفت، بشو، پس او شد. (آیه 61 سوره 3).

پس آن حضرت (ص) برای پیشوای ترسایان نجران گفت، هر چند ما در حجت و دلیل می افزاییم، شما در کینه و منازعه می افزایید، اکنون بیایید مباحثت کنیم، یعنی بر یکدیگر نفرین بفرستیم تا خداوند دروغ گویان را روسیاه کند. آن حضرت با گروه نصارا زمان و مکان را مشخص کرد، و در روز مقرر، حضرت رسالت پناه، از جمله ابنائنا، یعنی، پسران، حضرت امام حسن و امام حسین را، و از جمله نسائنا، یعنی زنان، بی بی فاطمة الزهرا را، و از جمله انفسنا، امام علی را با خود برد، و از آنها خواست که من دعا می کنم، و شما آمین بگویید. و چون اهل نجران آنها را در مقابل خود دیدند، از مباحثه صرف نظر نموده، و به صلح متوسل شدند.

### مهرے « یاسین » دے جات مآش خو دیند خُبن قا یام، درود بلندب بنایام

در سوره صافات آیه 130 می فرماید: سلام علی آل یاسین.

از حضرت علی روایت است که در معنی اینکه آل یاسین کی است، گفته است. «سین» یکی از نام های محمد است، و «آل یاسین» ما هستیم.

پس آل محمد کیست که درود فرستادن بر ایشان برای قاطبه مسلمانان جهان فرض گردیده است؟ این آل او جز از طریق دختر او فاطمه، توجیه پذیر نمی باشد.

و همچنان برای مهر ورزیدن و دوست داشتن آل یاسین، یعنی اهل بیت پیغمبر، در سوره شوری، آیه 23 آمده است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا.

ترجمه: بگو (ای محمد)، برای تبلیغ قرآن از شما هیچ مزدی را نمی خواهم، لیکن شما در دوستی خویشاوندان من پیشی گیرید. و هر که نیکی کند، بر حسن آن نیکی می افزاییم.

از ابن عباس (رض) روایت است که: صحابه از آن حضرت (ص) پرسیدند که خویشان شما که محبت ایشان باید کرد، کی ها اند؟ ایشان فرمودند که: علی، فاطمه، و حسنین (یعنی امام حسن و امام حسین) رضوان الله علیهم أجمعین.

و درود فرستادن بر محمد و آل او بر مسلمانان فرض شده است.

پیروی نمودن از أسوه آل رسول توجیه پذیر بوده و برای تمام گروندگان دین مبین اسلام فرض شده است. چنانچه او تعالی در قرآن کریم در سوره الاحزاب آیه 56 می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.

ترجمه: به تحقیق خدای تعالی و فرشتگان او بر پیغمبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، سلام بر وی بفرستید، سلام بسیار.

و در حدیث آمده است که: لا تُصَلُّوا عَلَيَّ صَلَوةً بترأء. یعنی برای من درود دم بریده مفرستید. اصحاب پسران نمودند که یا رسول الله، درود و یا صلوات دم بریده چیست. ایشان گفتند: کسی که بگوید « درود بر محمد »، و نگوید « و بر آل محمد »، یعنی بر اولاد من درود نفرستند، همانا درود دم بریده است

« إِنَّمَا » آیتِ اِدْعِ، نُزُولِ دَرِ شَوْنِ عَلِيٍّ، خُدَّايِ وَ لَوْجِ خُو وَلِيٍّ

مَهْشِ دِ جِهْتِ پَيْرِوِ اسِ شَخْصِ وَلِيٍّ اللهُ يَهْمُ، دِرُودِ بَلَنْدِثِ بِنَايَهْمِ

إِنَّمَا، اشاره است به آیه 55، سوره المائدة (سوره 5)، که در آن از حضرت علی توصیف شده که در وقت نماز که به رکوع رفته به سائل انگشترده خود را بخشیده است.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.

ترجمه: ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

«سوره یے کوثر» اگر سوَد به باطن معنا، فاطمه خیرِ نِسَاءِ

اس «بتول» نسلِ ته ماش خرد شفاعت خواه یام، درود بلندبث بنایام

پس آل محمد کیست که درود فرستادن بر ایشان برای قاطبه مسلمانان جهان فرض گردیده است؟ این آل او جز از طریق دختر او فاطمه، توجیه پذیر نمی باشد.

زمانی که عبد الله آخرین پسر باز مانده آن حضرت (ص) از خدیجه وفات می کند، عاص ابن وائل خوشنود می شود، که از نسل محمد در جهان کسی نماند. و او را ابتر یعنی دم بریده خطاب کرد. آنحضرت با شنیدن این خبر، خیلی متأثر شد، اما برای او سوره «کوثر» نازل شد.

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ. ترجمه. به تحقیق من برای شما اعطا نمودم کوثر را.

کوثر، از فعل «كُثِرَ» اشتقاق یافته، و معنای آن «زیاد، افزونی، و کثرت» است. نظر به تفسیر علمای شیعی، بطور عموم، کوثر، لقب حضرت بی بی فاطمه الزهرا است. یعنی خداوند، برای آن حضرت (ص) مژده داده است، که تو دم بریده نیستی، و من برای شما کوثر را اعطا کردم، یعنی دارنده فرزندان زیاد، که همانا بی بی فاطمه است، و نسل شما در جهان پایدار خواهد ماند، و در حقیقت دشمن شما که همانا عاص ابن وائل است، دم بریده خواهد بود.<sup>5</sup>

آثار اقتدار تو تا حشر مُصِئِلٌ = خصم سیاه روی تو بی حاصل و خجل<sup>6</sup>

و به همین سبب، اعضای خانواده بی بی فاطمه (سلام الله علیها)، به نام «آل محمد» و یا «اهل بیت» یاد می شود، و ایشان اند که از هر رجس و پلیدی مصئون و معصوم هستند. چنانکه خداوند (ج) در سوره الاحزاب آیه 33 فرموده است.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

<sup>5</sup> إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (۲) إِنَّ شَانِيكَ هُوَ الْأَبْتَرُ. در تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، تألیف علامه سید محمد حسین طباطبایی در ذیل تفسیر ثوره کوثر.  
<sup>6</sup> تفسیر حسینی در ذیل تفسیر سوره کوثر.

ترجمه: جز این نیست که خدا (ج) می خواهد تا شما را ای اهل بیت از هر پلیدی پاک کند، تا پاک کند شما را پاک کردنی.

همچنان، خداوند، در روز رستاخیز هر گروه را با امام و یا پیشوای شان میخواند تا در باره عملی که انجام داده اند، پاسخگو باشند. اشاره است به آیه 71، سوره الاسراء (سوره 17):

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَئِكَ يَقْرءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلاً.

ترجمه: روزی که هر گروهی را با پیشوای شان فرا می خوانیم پس هر کس کارنامه اش را به دست راستش دهند آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نخط هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود.

**نوح پناه دادے خو کبنتین دے خو اُمت ے زمون، قودے نجات اس طوفون**  
**کبنتے ے نوحے زمون اُرد کبنون یکجایهم، درود بلندب بنایهم**

اشاره است به آیات 37 تا 49 در سوره هود (سوره 11) در باره ساختن کشتی نوح و پناه آوردن به آن از شر غرق شدن.

وَأَوْحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. وَاصْنَعِ الْفُلَکَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ.

ترجمه: و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد پس از آنچه می کردند غمگین مباش. و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز و در باره کسانی که ستم کرده اند با من سخن مگوی چرا که آنان غرق شدنی اند.

متن حدیث سفینه:

إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ

ترجمه: مثل اهل بیت من بر شما مانند کشتی نوح است، اگر کسی بر آن سوار شود (یعنی اگر به اهل بیت من تمسک جوید) نجات می یابد، و اگر کسی از سوار شدن بر آن تخلف کند، هلاک می گردد.

**نسل بر نسل خه رست نورے اِؤمت بر جای، آیتے « نور » تو بنای**

اشاره است به آیت نور (آیه 35 سوره النور (سوره 24)): تسلسل نور، و یا نور بالای نور. نور علی نور..



اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ أَلَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

ترجمه: خدا نور آسمانها و زمین است مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود نزدیک است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد روشنی بر روی روشنی است خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند و این مثلها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست.

### «قوله « ثابت » قته نر توغ اموم بالایام، درود بلندب بنایام

آیت «قول ثابت»، سوره ابراهیم آیات 24 تا 27 در مورد بار و بودن درخت نبوی و میوه دادن آن در هر عصر و روزگار فرموده است.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ. يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ.

ترجمه: آیا ندیدی خداوند (ج) چگونه مثلی بیان کرد؟! سخن پاکیزه را مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوار و شاخ اش بر آسمان می باشد. و در هر زمانی به امر پروردگار خویش میوه می دهد، و خداوند اینرا مثالی زد برای مردمان تا بود که پند پذیر شوند. و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد. خدا کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت می گرداند و ستمگران را بی راه می گذارد و خدا هر چه بخواهد انجام می دهد.

ناصر خسرو داعی، متفکر و فیلسوف نامی اسماعیلی در کتاب وجه دین در معنای این آیات چنین گفته است:

« ... و بدین درخت خوش مر رسول را همی خواهد که بیخش استوار است که دشمنان دین ویرا بر نتوانند کنند، و شاخش فرزندان او که بر آسمان پیوسته اند از راه پذیرفتن تأیید از عالم غلوی، و بهر وقتی بار حکمت بفرمان خدای تعالی بخلق همی رسانند. و هر که این مثل بداند دست در آن درخت زند، و از آن درخت بخورد، زندگی جاوید در آنست.»<sup>7</sup>

در بیت آخر، از آرایه ادبی ایهام کار گرفته شده است.

ایهام در لغت به معنای در شك و گمان افگندن را گویند. اما در اصطلاح علم بدیع، آوردن عبارتی است با حداقل دو معنی مناسب با کلام، که یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن است، و یا دارای

<sup>7</sup> وجه دین، ناصر خسرو، گفتار اول، کتابخانه طهوری، چاپ دوم، تهران 1348، صص. 11 - 12.

دو معنی یکی قریب و دیگری بعید به نظر رسد. و مراد شاعر، همیشه از آن اشاره بعید و یا دور از ذهن است.

در بیت آخر از عبارت «قول ثابت» کار گرفته شده که معنی قریب آن، قول ثابتی را می‌رساند که این شعر را «ثابتی» سروده است، و می‌تواند قول و سخنش باشد، اما معنی بعید آن اشاره به عبارتی در آیه قرآنی است، آیه 27 در سوره ابراهیم است.